

نابود باد جنگ؛ مرگ بر
خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۴ - سال دوم
شماره ۱۸ - ۱۵۲ - ۶۴

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی بمعنی جنگ، جنگ تا نابودی خلقها

بدنیار عیقتگر شدن بین پستویود در بیجه های
بنگ ارتجاعی و درماندگی روز افزون رژیم در
حل معضلات گریبانگیر آن، بار دیگر "سپح عمومی"
برای گسیل داشتن جوانان و نوجوانان روستائیی
و شهری به کشتارگاهها باور گرفته است. اینبار نیز
از احساسات مذهبی و توجهات دینی هائی از مردم
سوءاستفاده شده و این "سپح" زیر عنوان کاروانها
در تریه "آغاز شده است. رژیم خمینی علیرغم
تعمیرات متعدد بیجا در حلقه های ایران و عراق و
اثرات عمومی بینانیا علیهم اشرار فرزند شده
سوده های مردم علیه این جنگ جانمان برانداز و
فرساینده و علیرغم اسهارات سریع صرف متعاقب
سم مبشر بر آمادگی برای انعقاد یک صلح شراب
متصدانه، نمایان برضبط توسالی جنگ می گوید و
گورستانها را روز به روز از اجساد فرزندان بیگناه
این جنایت "آبادتر" می کند. معین گفته که این
جنگ برای رژیم مخلوق به زوال جمهوری اسلامی
"رحمت" است و منظورشان نیز دقیقا آنست که

می تواند در پناه این جنگ و پوشش دروغین
"دفاع مقدس" مشکلات لاینحل و بحرانی عمیق
منومشرا تنفیذ دهد و توبه مردم را از مسائل
واقعی کشور منحرف نماید.

این جنگ برای رژیم حاکم بمنزله شمشیری دو دم
می ماند، یعنی گرچه از یکسو توانسته اند تا
حدودی با گرم نگهداشتن بازار کشتار و تباهسی
ادهان توده ها را مشغول سازند، اما از سوی
دیگر خرج گرم نگهداشتن همین بازار، خود به
بغیه در صفحه ۹

در این شماره:

ترجمه و مقاله از نشریه بریگاد انترناسیونال
معتد نامه بین المللی جنبه آزاد پیختر
سازند نیست

این صدا بانگ رسائی کیست و در خدمت چه اهدافی قرار گرفته است؟

په ناآگاهانه و یا بعزت کشتنهاد معرفتی، این
موجمی را گرفته باشند، عمده یکی از این سه
چریک خدمت می کنند.
این سه چریک با متحمات خود به قرار زیر است:
۱- برهان ارتجاعی حاکم، معتقد به ودیت فقیه
و در راس آن خمینی که معنا در راس هریم روحانیت
ودیت فقیه نیز هست. خمینی و چریک او از قصد
به قدرت رسیدن هرزومی رادیلوک خانگیست
داشتند. اینان با حذف جناحهای سریع از یک
صرف و بالا گرفتن مبارزه نیروهای انقلاب بود
ها مردم از مردم دیگر بندگان نمود خود را از
دست داده و دامنه مالومات هر چه محدودتر
شد. ابتدا به معنوی بیانات و اجزایی که تاکنون
خانگیت ایرانی و ملی و از خود رانده است به
تربیه بیارند از:
سبایی، مدنی (از بیمه ملی) پارزگان و شریک
(از تهر آزادی) بنی صدر میریاب حبیبیه،
بغیه در صفحه ۲

شرایط بفرنج و پیچیده ای که مبارزه انقلابی
مردم ایران بر بستر آن رشد می کند، معسون
و خصلت این جنبش بزرگ و پتانسیل قابل توجیسی
که در روند تکاملش در خود ذخیره می کنند،
عصب بندی های موجود را سریع می کند. انهد ب
۲۲ بهمن با سرنگونی رژیم سلطنتی، جنبش
انقلابی مردم ایران را در مسیر قرار داده که
بازگشت به سلطنت را در هر شکل آن، حداقل
در چشم اندازهای قابل ارزیابی غیر ممکن ساخته
است. از اینرو سرنوشت بنیشر اندیسی مردم ایران
در مبارزه و حرکت سه چریک، که در عین حال سه
صف بندی اصل درون جامعه است، تعیین خواهد
شد. این سه چریک هر یک مشخصات خاص
خود را دارد. نیروهائی که در این سه بند و ک
رسا قرار نگرفته اند، در سایه روشن های این
سه چریک و یا در بین آنها سرگردانند.
نیروهای سرگردان، چه بخواهند و چه نخواهند
چه آگاهانه و از رواد منافع علی و ص بقا تر منفسر

محکومیت رژیم در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

صی پند سال گذشته فعالیتهای گسترده ای از
صرف - وای ملی مقاومت در رابطه با تفسر حقوق
بسر در ایران صورت گرفته است. همچنین سازمان
مبامدین خلق ایران تا بحال پندین بار اسناد
کنی و زنده می بر بود نشبه های و حسیانه
اندامهای محفیانه و ۰۰۰ به مجامع بین المللی
ارائه داده است. بدوری که امروزه در افکار
عمومی بهمان رژیم خمینی کاملا افشا و مظهر شده
است. در ادامه این فعالیتها، مجمع عمومی
بغیه در صفحه ۹

انتخاب منتظری و تعمیق تضادهای رژیم

مبیس حبرگان که جهت تعیین بانسیسی معینی
تشکیل شده بود، سرانجام بعد از مدتها
کشمکش و اختلاف، بدستور خمینی ولیعهدی
منتظری را تصویب نمود.
الذیته اینکه منتظری را بعنوان جانشین مشخص
خواهند کرد، بهتر بینی می شد. زیرا که از مدتها
پیش تبلیغات در این زمینه از طرف رفسنجانی
و هواداران آن انجام می شد.
اینکه در زمان خمینی چنین جانشینی صورت
می گیرد، نشانه ای بر بحران سیاسی رژیم و
ناتوانی بیشتر در حل آن می باشد. وظیفه مجلس
بغیه در صفحه ۹

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

این صدا ...

بعینه از صفحه ۱

خراب تود و ...

مشخصه اصلی رژیم خمینی بمشابه رژیم حاکم، جنگ و اختناق است. مضمون ارتجاعی حاکمیت، آسردار موقعیت دشمن عدو مردم ایران در شرایط ثنونی قرارداد است.

تضاد بین تود و های مردم پارزیم خمینی به مشابه تضاد عدو جامعه، تمام تمامهای دیگر جامعه را تحت الشعاع قرارداد و بنیشر انقلابی بدین حل این تضاد، قادر به پیچودن مسیر تکاملی خود نیست. تحقق استقلال، آزادی، صلح، برابری عدالت اجتماعی و ترقی اجتماعی، مستلزم سرنگونی این رژیم ارتجاعی به شیوه انقلابی است. هر حرکت و اقدام نیروهای سیاسی را رابعد با حل این تضاد شنید می شود.

بدین ترتیب که با حرکت فوق یا بنیبه مردم را علیه خمینی تقویت و یا تضعیف می کند و یا بنیبه خمینی علیه مردم را.

۲- جریان اپوزیسیون انقلابی که شورا ملیس مقاومت تجلی آن است و بر محور این شورا سازمان میاهدین خلق ایران قرار گرفته است.

این سازمان با خصلت انقلابی و دموکراتیک خود و نیز به مشابه سازمان مسلمانان انقلابی بهتر بر بسته ای در جنبش انقلابی مردم ایران دارد.

وجود این سازمان در محور این شورا بمشابه یک انقلاب سیاسی، خصلت انقلابی شورا را هر چه بیشتر برجسته می کند. این انقلاب سیاسی که

مجموعه ای از گرایشهای سیاسی-ایدئولوژیک مختلف را در بر گرفته است، سعیانی از جامعه آینده بعد از خمینی را بطور نسبی ترسیم می کند.

مسلمانان انقلابی، ناسیونالیستهای ترقیخواه، و کمونیستهای انقلابی در این شورا نشان داده اند که تشکیل جنبه خلق بمشابه یکی از آرمانهای دیرینه

مردم ایران قابل تحقق است. این شورا هدف خود را سرنگونی رژیم خمینی، استقرار صلح و آزادی و انتقال قدرت به مردم قرار داده است. اصولی

نهین مشخصه این شورا، ضما هیت انقلابی آنرا نیز نشان می دهد، اعتقاد به انقلاب و مبارزه برای تحقق آن از طریق قیام مسلحانه

تود و از برای سرنگونی ولایت رژیم خمینی است. رمز پیشرفت شورا آنست که هیچ نوع ضدیت نمی توانسته است این پدیده را در هم شکنند و نیز

سرف و ناموس و حیثیت انقلابی شورا در مبارزه مسلحانه برای تحقق قیام تود و است تا آنجا که به سازمان مبدعین خلق مربوط است. درست به

ذلت اتکا به این اصل و با فشاری روی قیام مسلحانه تود و است که علیرغم بی سابقه ترین عدو

یت ها می که از بنوایب مختلف با آن می شود همچنان استوار و سرسخت بر سر اصول مبارزه اعلام می آیند و در هم شکسته نشده است.

در واقع در تاریخ مبارزه مردم ایران سابقه نداشته است که سازمانی علیرغم پرداختن این چنین بهای گزافی در مبارزه، تا این حد مورد حمایت با جوانان

دانه و رزقانه قرار گرفته باشد و با این وجود همچنان پیش برود. در رابطه با ولایت شورا باید

گفت که پایدار بر اساس موفق میباید تسخیر فضای لازم را برای تحقق استقلال و آزادی و بعوان آرمانهای دیرینه خلق سمیید و محروم ایران بوجود آورد.

۳- جریان اپوزیسیون اپوزیونیستی در این جریان صیف گوناگونی قرار گرفته اند که هر اندازه مخالف رژیم ولایت خمینی باشند،

پندار مخالف مبارزه مسلحانه اند و بر هفتاد و نه نیروهای متدله این صیف از میدان روئین

آزاد یحوا می و به اندام مخالفین نوانیتا-رسم، مدافعین استخاره در روش رژیم گرفته است.

نیروهای اپوزیونیست و حیانتدار امارت حزب توده تود و جریان موسوم به اکثریت، نیروهای مخالف

مبارزه مسلحانه تحت عنوان بلوگیری از گسترش "تروریسم" و "جنگ داخلی"، و نیروهای اپوزیونیست که مدعی مارکسیسم بوده و شوریهایی

راست خود را در زورق چپ پیچیده اند و لسی همواره علیه مبارزه مسلحانه انقلابی تحت عناوین

"جدا از تود و"، "بلا تکیسم" و "لبین پراکسی کرده اند. تا آنجا که به ادعا و حرف و نوشته مربوط است این گروه رنگارنگ در مجموع همه چیزها شورا دارند که هیچکس ندارد. "ملر" گرایانی که همواره سر بر آستان غرب فرود آورده اند، حال

مدعی "وطن خواهی"، "آزادینخواهی" می شوند. اپوزیونیستهای که قانون اساسی جمهوری اسلامی

را یک سند مرفعی اعلام کرده بودند و خمینی را یک رهبر ضد امپریالیست خوانده بودند، اکنون مدعی مبارزه علیه "ارتجاع و امپریالیسم" می شوند

و از مباحثین خلق، ضحیکار می شوند. سنانیکه هیچ فرصتی را برای ابراز دیکتاتوری و یا ستایش از دیکتاتورها از دست نداده اند، مدعی مبارزه

علیه "نولیالیسم" میشوند، آنان که اساسا بقدر نجات مردم ایران نیستند، حال برای جلوگیری از خونریزی در تلاتر برای استعمال رژیم

و تغییرات تدریجی هستند و این اقدام خائنانه خود را با ادعای نجات "کشور" و جلوگیری از

"بگ داخلی" تزیین می کنند، آنان که در حقیقت انقلابی و عمل واقعی عیبند، مدعی مبارزه علیه رژیم "جمهوری اسلامی" می شوند و

سعار مرگ بر خمینی را در مبارزه ناکافی می دانند. اینان که صیب فرصتی را برادر ضربه زدن به مبارزه

مسلحانه تحت عنوان "مبارزه با ناپلگیری خرد" بورژوازی "از دست نمی دهند، مدعی می شوند که در آیند "انقلابی" را رهبری خواهند کرد که گرچه

اکنون موفق دست زدن بدان هنوز فرا نرسیده، اما اگر روزی فرا رسد، با چند "فرمان" همه مشکلات را حل خواهند کرد. البته در فقدان تعادل و مبارزه

مرگ و زندگی دسته اول و دوم، جریان سوم میتواند هر ادعای را با هر قدر رنگ آمیزد بعنوان حقیقتی

مسلم با بزند، ولی خود واقعیت تاریخی تحفه ثنونی کار این جریان را سخت دچار تنگنا نموده است

بصورت مثال اینان همواره و به نهایت ضاهرا متلف الترناتیو شورا را مورد حمیت قرارداد. اندک ایسر

چنین و آنچنان است. شورا نیز همواره گفته است که هیچ نیرویی برای بلوگیری از اقدام نیروهای دیگر

در جهت ساختن الترناتیوهای مورد نظر خود و مبارزه بندی در راه به ترس نشانند آن ندارد و تمام

نیروهایتر صرف مبارزه پارزیم خمینی میشود. اما گروه اخیر طی این مدت نه فقط کوچکترین قدمی در راه نزدیک شدن به هدیکر برداشته اند، بلکه

بجز مواردی از قبیل جلسات شورا، اکسیونهای افشاکری علیه رژیم خمینی، و امثالهم که مقتضای موردی مشخص اتحاد عمل دارند (البته علیه جنبه انقلابی)، بطور مستمر از هم دور شده اند.

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

... این صدا

طبعاً این یک روند خود بخودی نیست، این روند قانونمند است و قانون آن در تعادل مدت یا پند ه رژیم و شراست. رسوائی این گروه بهائی کشیده که می گوید شورا و مباحثین مانع اقدامات "وحدت" گرایانه دیگران هستند. اگر مبارزه سیاسی مباحثین با نیروهای رفرمیست و استحاله گرو اپورتونیست، اینها را متلاشی و از هم دور می کند و اگر مبارزه سیاسی تمام جریانات گروه سوم، مبارزه مسلحانه افکار و نیروهای مقاومت را علیه خمینی تضعیف نکرده و نتواند آنجا که به مباحثین خلق مربوط می شود، فعالیت هم کرده است. این خود دلیلی بر اینست که هر چه در تعامل مبارزه خلق علیه ضد خلق، بر مبارزه مسلحانه انقلاب پر رشد می کند، و بنا بر این نیروهای که نسبت به این امر بی تفاوت، مخالف و یا دشمن هستند ابقا و الزامات تضعیف می شوند و نیروها نیز که بر این پست منور هستند روزی به رشد خواهند کرد. این قانون، در مورد حرکت جریان سوم بطور مداوم عمل می کند. صعباً نتیجه عملی حرکات نیروهای جریان سوم که بنحو و از زاویه ای و معنا هر یک به میزانی، مبارزه انقلابی و انقلاب را تضعیف و بدان ضربه زده و بنا بر این تا این حد و به همین اندازه به رژیم خمینی خدمت کرده است.

اکنون بر پایه آنچه در یاد گفتیم می توانیم به این سوال پاسخ دهیم که سخن پراکنش افلیت یعنی در خدمت چیست؟

افلیت مدعی است که یک صف بندی مستقل تشکیل داده و بنا بر این یک الترانیو "پرولتر" است. هر کس که روند حرکت چند ساله اخیر افلیت را بررسی کرده باشد بخوبی قادر است که باین ادعا را ثابت کند. کافیت خوانندگان به سه سند که طی حیات چندین ساله اخیر از صف افلیت منتشر شده مراجعه نمایند. این سه سند عبارتند از: فدائیان خلق چه می گویند (آذر ۵۹)، برنامه عمل (اسفند ۶۰) و صرح برنامه افلیت (تیسر ۶۳) بررسی این سه سند نشان می دهد که رهبری ستاره است افلیت هر چه بیشتر به سمت عقب سگتا رست. آثار شستی نمونه نزدیک شده است.

ستاره ستاره افلیت در شرایط سال ۵۶ بعثت اینده هم یکه از سازمان نیو ده و هم سرایه اجازه نداد، بعد اسوسری نزدیکتر از صف ستاره ستاره دور تر بودند. در برنامه عمل یک تعداد در بین صف اسوسری و صف ستاره ستاره وجود داشت.

در حالینه در "صرح برنامه افلیت" نزدیک به نمونه بدست نمایان است. نکته بالاب اینست که بهمانگونه که رهبر خائن جریان موسوم به ستاره ستاره در هر گامی که بسور حزب نوده پیش میرود برای پنهان کردن حرکت مؤدیانه و شانسانه خود بشکل بسیار ساده حر سرب نوده را مورد عصب و لعن قرار می داد، اکنون نیز رهبر ستاره ستاره افلیت معنی نیز در هر گام نزدیک به نمونه مجموعه از از نقد های بدون محتوا، شخصی و نامشخص از حرکت و دیدگاهها و نمونه منتشر می کند. نمونه نیز مانند حزب نوده یا سناخ این حرکت از هر نزدیک افلیت بنود، پغانی ساخته و بر سر افلیت می زند که پرا نا پیگیری می کنید و ...

همان کاری که دیانور با رژیم می کرد تا سرانجام آنان را بکل نابود کند - نمود.

تاریخچه صرح برنامه افلیت را بنا بر این اوه افلیت فاقد یک موضع مستقل در جنبه ایرانست و در تانی وقت خود افلیت امرام میزند که خط مسر نوده در خدمت اهداف بورژوائیست بنا بر این خود افلیت هیچگاه در این تعبیراتی که در برنامه خود داده نسبت به گذشته بر سرور با خود نکرده و آنگونه وانمود کرده که کونی هیچ تعبیری در دیدگاهها و برنامه اثر نبوده نیامده است، این شیوه ماست مانی کردن مصاحبه های گذشته، در افلیت پیورت یک متد دانشی در آمده است. البته این شیوه برای رهبری ستاره ستاره افلیت که هیچگاه نتوانسته نسبت به مسائل بیشتر برخورد انقلابی داشته باشد، ممکن است منافی داشته باشد. ولی بر اساس منطوری نین، این شیوه افلیت یک شیوه ناملا ضد نین است. نین در این رابطه می گوید:

"روش سیاسی حزب سیاسی نسبت به استیاب هات خود یکی از مهمترین و صحیح ترین معیارهای جد بود، حزب و اجرای جدی وظایف و نسبت به طبعه خنجر و نوده های زحمتکش است. اعتراف

آسدار به اشتباه، کشش ملر آن، تجزیه و تحلیل - اوضاع و احوالی که موجب این اشتباه شده است، بحث و مداخله دقیق در اصراف و مسائل رف اشتباه اینست علامت یک حزب جدی، اینست اجسرای وظایفی که وی بر عهده دارد، اینست تربیت و تعلیم صبقه و سپر نوده ها.

(نین - تاکید از نین است)

حال اگر افلیت معتقد است که "استیابها" در برنامه عمل از "بینه" و "مجلس موسسان" و "عملیات مسلحانه" دفاع کرده است، اکنون که در طرح و برنامه اثر این موارد را کنار گذاشته با این "استیابها" خود چه برخورد می کند؟ رهبری ستاره ستاره افلیت هیچگاه بسمارت برخورد بند با خود را ندارد. از اینروست که هیچگاه بصورت جدی و مسئولانه به مواجعی ۵ اتحاد می کند، نمی اندیشد. سخن پراکنشهای رادیوی افلیت - نمونه کامل این برخورد های اپورتونیستی و غیر مسئولانه است. همانطور که در زیر خواهیم دید، این سخن پراکنشها نه مرهاد رسای کار - گران و زحمتکشان، بلکه آب زشتی است که به آسیاب ارتیاع است. اگر برنامه افلیت طی دو ماه (از نیمه مرداد تا نیمه مهر) که گزارش آن اکنون در جلو دست من است، مورد توبیه قرار بگیرد خواهیم دید حتم برنامه مانی که بطور مشخص علیه شورا و مباحثین است، بسیار بیشتر از برنامه هائی است که علیه نیم ارتیاع را مورد حمله مرار داده است. در این مدت افلیت ۹ برنامه (که بعضی از آنها صوتی و دنباله دار است) علیه الترانیو و مؤکراتیست در روز های ۱۸ مرداد، اول، دوم، پنجم، هشتم، نهم، دهم، بیست و دوم شهریور و پنجم و دوازدهم مهر اجرا کرده است. یکی از نمانی که افلیت به شکلی مزورانه در برنامه های خود تبلیغ می کند اینست که گویا شورای ملی مقاومت معتقد به استیاب له رژیم خمینی است. در برنامه روزهای اول و دوم شهریور افلیت که در نقد سده "جنگ ایران و عراق" شرایط بین المللی و مواضع چریکهای مختلف اپوزیسیون" مندرج در نشریه شورا، پخش شده است، افلیت چابجا این ادعای شیخانه خود را تکرار می کند. در برنامه روز ۲۲ شهریور، این ادعا را بشکل روشن اعلام می کند و می گوید:

شورای ملی مقاومت نیز از ابتدا هیچ چیز بسز

پوتوان باد جنبش طبقه کارگر پشاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

اخبار کوتاه

حارجی

روز پانزدهم ۱۰ نوامبر تمام سه رهای بزرگ اسپانیا مانند مادرید - بارسلون و والنسیا - سویا - بلبانو و تظاهرات بزرگی به دعوت نیروهای صرخی آنها برگزار شده هدف آن بیرون رفتن فوری اسپانیای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بود و همچنین ایجاد فوری فراند (نهاد دولتی) سوسیالیست اسپانیا از بدو به قدرت رسیدن دولت داده بود که برای ماندن یا بیرون رفتن از سانسو دست به یک فراند خوددزدی در این تظاهرات قریب به صد هزار نفر در تمام اسپانیا با شعارهای "بیرون از ناتو" ایجاد فوری فراند " شرکت کردند

داخلی

وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، محسن رفیق دوست در روز اعلام کرده ۵۷٪ درمیدار نیروهای ایرانی که در حمله فوریه سال پیش بر علیه جنوب عراق شرکت کردند، مسئول اردن و آموزش دیده بودند. (خبرگزاری روجر)

به دعوت نائون دموکراتیک ایرانیان (مواد ارسواری ملی مقاومت) در شهر کویته سوئد در تاریخ جمعه ۲۰ دسامبر جاری جلسه ای با شرکت مواداران شورای ملی مقاومت و تعدادی از معوضان علامه قه مند برگزار گردید. در این گرد معایی نماینده شورای ملی مقاومت در سوئد در مورد دیرماسی شورا سخنانی ایراد کرد. بعد از سخنرانی نماینده شورا یکی از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (پیرو برنامه هویت) درباره وضعیت گروههای سیاسی ایرانی و جایگاه آنها و موضوع "سخنرانی ایراد نموده که مورد توجه شرکت کنندگان در جلسه قرار گرفت. بعد از سخنرانی برنامه پرسش و پاسخ صورت گرفت. و سه سوالات مطروحه از طرف شرکت کنندگان پاسخ داده شد.

توضیح: این خبر، نقل قولی از صاحب شمشیرتیشی شرکت مالگو با روزنامه اکسپرس در سوئد که در اکثر روزنامه های سوئد چاپ رسیده است. ما

بخشی از آنرا در زیر می آوریم.

(شمیت ز) تعریف می کند که از مرداد ماه سال گذشته، هر ماه ۲۰۰ تن مواد متعبیه به ایسرا ن فرستاده است. و آن معطیش از ارسالر هاشمی می باشد که از شرکت نوبل شیمی می آید. شرکتی بنام (استاندیناویان لومودیدی) تا ۹۰٪ با ایران تجارت دارد. شرکت مزبور یک دفتری با ۱۲ کارمند در تهران دارد.

آن مود که شرکت مالگو (سال میل) می خواست ۱۰۰ میلیون لرون از ایران نفت بخرد، تولیدات مواد منفجره را شروع کرد. با وزیر دفاع ایسرا ن ارتباط برقرار کرده و توضیح داد که آنها مواد متعبیه و ظرف (رویه) فشنگ و دیگر مواد متعبیه برای عوض با نفت می خواهند.

مطبوعات خارجی ... بجه از صفحه ایاد - مننده که در سات مند و امرانیم بدیر - ۱۳۰ مزارتن تسلیحات نظامی به "پواتوناسیا" رسیدند. و در مند و اسر اینگونه سایدات بنگ علیا به چون "پواتوناسیا" وده از سال ۱۸۸۲ در سات انبام "سلسله" با وجود سیاست نامسیر و غیر روش و مانورهای تبلیغاتی صنعتی - نیار - کوزه آمادگی جهت راهبرای ادامه پروژه صادرات روتر با گروه "کنادوا" و مشعر ساختن هرچه روسر پایه های سرورز صلح بدون هیچ ابهامی در آمریکای مرکزی اعلامی دارد. اما باید نامسلس متحضر و روشن باشد، که تا زمانی که ایسات متحده از اعضای یت قرارداد منحصرا (نشرت) سر باز زند و متعهد به پایان بنسیدن سیاست خصما نه اثر نشود، نیارگونه حتی یک ننگ نیز نتوسر لیسر نخواهد داد. و شریه نیز به اعلا ب مرد می ساند نیست ثابت کرده است که هرگاه دولت یگان لحن تبلیغاتی اثر رایزعلیه مانند نیر کرده و مارا منسجم به ترویسست و چیزهای سوا - مفریانه دیگری از این دست نموده است، همیشه منجر به شکست شدن سیاست نظامی امر بر سر علیه ما شده است.

- زیر نهی:
- (۱) حبیبه دموکراتیک نیارگونه (متشدر از ضد اغلا بیرون و ژنرالهای وابسته به رژیم سوموزا)
 - (۲) شهری در هند و اسر



با کمال دباغی عضو کمیته مرکزی و کساک طه حق طلب عضو مشاور کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران در کرمانشاه و تهران اعدام شده اند. (به نقل از بولتن جبری حزب دموکرات کردستان ایران تشکیلات اروپا)

مزدوران رژیم خمینی میناهد شهید کیومرث حسینی را در میدان شهر مرودشت بدار زدند. این عمل موجبی از خشم و نفرت رادزمیان مردم پسر - انگیزت. (به نقل از نشریه میناهد شماره ۲۶۹)

در ۲۰ آبانماه میناهد خلق پرهیز فیضی در زیر ششجبه های وحشیانه مزدوران در زندان اوین به شهادت رسیده است. در نیمه اول شهریور ماه گذشته میناهد خلق مهوری اورک در زیر ششجبه به شهادت رسیده است. میناهد خلق پرهیز حسین نیاد ر تاریخ اول شهر - یور ماه و میناهد شهید جواد شراب پوری در زندان اوین شهیدان شده اند.

در اوایل آبانماه سال جاری میناهد خلق صادق صه هماسی در زندان کوهردشت کرج اعدام شده است. (به نقل از نشریه میناهد شماره ۲۷۰)

در تاریخ ۱۲ آذر ماه جاری ۷۰ نفر در زندان اوین بطور مخفیانه اعدام شده اند. در ۱۷ آذر ماه میناهد خلق سعید مزجی در شاهرود در زیر ششجبه به شهادت رسیده است. در تاریخ ۲۸ مهرماه گذشته میناهد خلق محسن رحیمی بدست ذرخیمان خمینی در تهران به شهادت رسیده است.

در اوایل آذرماه جاری میناهد خلق بابک ایزد - یار در زندان اوین به شهادت رسیده است.

در هفته اول آذرماه یکی از میناهدین خلق در زندان بیروجر بدست ذرخیمان خمیند به شهادت رسیده است.

(به نقل از نشریه میناهد شماره ۲۷۱)

نابودباد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

نیکاراگوئه

مطبوعات خارجی

صداهایی که پیامهای نگران کننده ای دارند

توضیح: نشریه پارکاد انترناسیونال، معنی نامه بین العلی بجهه آزاد پیچتر ملر ساندینیست است. دو مطلب زیر از این نشریه می باشد که توسط رفقای مواد از سازمان ترجمه شده است.

کوشش اجتماعی برای بقا

پول و تسلیحاتی که تند انقلاب وابسته بهه سیا (CIA) آمریکا که صول ۴ سال دریافت کرده است، چیزی بیشتر از مداری است که دولت آمریکا در صول تقریباً ۵۰ سال به "کارد ملی" سوموزا کمک می کرده.

تجاوز آمریکا همان صوره همه می دانیم باحال موجب خسارات جانی و مالی فراوانی گشته است، بیشتر از دهها هزار کشته، معذول، کزگان گرفته شده، در حدود هفت هزاریتیم و بیشتر از هزار وسیله میلیون دلار خسارات مادی هم آمد این تجاوز می باشند. این تجاوز مانع از به جمعیت پیوستن و اجرای برنامه های رشد اقتصادی و اجتماعی برنامه ریزی شده توسط انقلاب پیون گشته و هم چنین موجب افراطیتر بیس وادی نیز گشته است. اولین حرکت بزرگ، بعد از رنگونی رژیم دیشانور سوموزا، رفتن هزاران جوان بسوی ما صودور افتاده به منظور ریشه کن کردن بیس وادی و در بر دادن به بیشتر از نیمی از جمعیت نیکاراگوئه (که اکثریت آن شامل بزرگسالان می شد) بود. ولی جنگ مانع از تداوم این کوشش عظیم و زیبا شده است. این مثال فقط نشاندهنده گوشه نوپسکی از چگونگی منافیزمی است که سیاست ایالات متحده موجب گداشتن تاثیر منفی بر روی زندگی اقتصادی اجتماعی سه میلیون نیکاراگوایی گشته است.

در حال حاضر حرکتی دیگر در حال شروع است، هزاران دانش آموز و محقق در حواسمت کرده اند تا جهت برداشت محصول قهوه به مناطق شمالی نیکاراگوئه بروند. در نیکاراگوئه قهوه اصلی ترین محصولی است که به خارج صادر می شود. مشکل شدن دهقانان برای دفاع از میهن از یکطرف و تبدیل کارگران روز مزد سابق به مالکسان جدید از طریق اصلاحات ارضی از طرف دیگر موجب نبود بهره ای انسانی کافی برای برداشتی محصول قهوه شده اند. همه ما می دانیم که فروش قهوه در خارج، از چه اهمیت بسزائی برای کشور پر شور دار می باشد، از این جهت است که

دولت نیکاراگوئه طرح اصلاح اخیر گروه "شناد وازا" رد کرده است. از این رو، آژانسهای چریکی بین العلی در مورد موسس رفسر نیکاراگوئه در باره دو موضوع اساسی طرح خبر دادند. خلق سلاح و مانورهای نظامی. در توضیح این موضوع، هرزیدنت دانیل - اورنگا بر روی یک نشانه سرورز در این بحث با صافاری ورزید. نیکاراگوئه یک خلق سلاح یت صرفه را، در زمانی که دولت ایالات متحده بر سیاست شمعان و خوشتر پایان نیند و تصور رفسر در یت پروتکل حمیمه بر

عرج در نور خلق معسهد به انعام سیاست بنسنگ اورزانه اثر نکرده، همور سواوه کرد. این انعامی بود، که تمام آژانسهای چریکی به این موقی اهمیت بسیار دادند. وانگنر بر اساس امرایان ششمیشهاد منفذ آن، هر فردار حاصل

عام شادری که از مناصب و شهور به آنها رفته اند و همچنین شادری که بصورت دانشی در آن مناطق زندگی می کنند، در سه ماه در سرای صی بسیار بد همراه با اعمال حمله نیروهای مزدور زندگی خواهند کرد. این دو وضعیت به شخصه حسر خواهند کرد که یت دهقان، بیگانه زندگی میکنند و منافع و نه در سادهای قبل اتفاق افتاده بود باعث بویود آمدن یت همبستگی عظیم در بین شهر و روستا خواهند شد که موجب بهتر شدن جمعیت روستائیان و عبقرت شدن در دیگران خواهد شد.

امسال محصول در مناصب برداشت خواهد شد که در سال ۱۹۸۴ بعدت حسر نور نیرومسانی مزدور امکان پذیر نبود. این نیروها (مزدوران) بعد از حمله نیکاراگوئه به آنها، فرار را بر قرار ترجیح دادند، عده ای از آنها به هترواس گریختند و عده ای دیگر به مناطق کوهستانی روی آوردند که تحت تعقیب می باشند. وظیفه ملی، نابودی کامل نیروهای مزدور است و برای آن تمام خلق به حرکت درآمده. دولت ایالات متحده به ما تجاوز می کند تا از دست یابی بجهه ساندینیست به هدف و برنامه تاریخی اش جلوگیری بعمل آورد، تا دولت را منزوی گرداند و از دوستانش دور کند. خلق نیکاراگوئه برای دفاع و حفظ دست آورد های انقلاب بها خواسته است، و صلاح همچنان شعار و خواست ملی می باشد.

مسئله بشیوه تمامی می باشد، امتز در می شوند که در این بین معسر نیکاراگوئه می باشد که استمرار طرح در منصفه را "با مشکل روبرو ساخته است". فقط کافی است، مروری بر فعالیت های ضد نیکاراگوئه یته این در ماه نوامبر داشته باشیم، از این صریق می توان درت نمود که در واقع ایالات متحده صرفاً، قصد می خواهد از "شناد وازا" برای بدست آوردن زمان بیشتر به منظور پایان دادن مداخمته تمامی در افکار عمومی بین العلی استفاده نماید. هرزیدنت ریگان، شصت و سه روز این زمان (نوامبر) مصرح کرد که حمایتش از چیزی گنه "نیروهای دموکراتیک مقاومت" می نامد، یعنی از سرورسهای FDN (۱) تا زمانی که دولت ساندینیست با آنها به مذاکره ننشند، دست نخواهد شد، به عبارت دیگر یعنی تا وقتی (دولت ساندینیست) تسلیم نشود، در صی ماه نوامبر تا ج سفید و باره دست به منتج نمودن و معیت با استفاده از سازار تبلیغاتی خوشتر برای توجیه سیاستهای خصمانه اثر علیه انقلاب مردمی ساندینیست زد، و مدتی حاوی ۱۲۳ صفحه از طرف سفیر آمریکا "ورنون والتر" منتشر نه بارها وابستگی اتر به FDN و تبارش از خصوصیتش در این رابطه مورد بحث بوده. به سازمان ملل تحسیر داده شد که بر اساس آن نیکاراگوئه متهم به انبام "سیاست زورگوانه دقیق و لبام گسیحه علیه همسایگان نثر" شده است، از این رو، "فشار بر علیه رژیم ساندینیست یت توسطه باز دارند. علیه رشد این کشور در یت فضای صلح آمیز نیست، بلکه جوابی است جمعی به سیاستهای خصمانه و زورمداری نه این کشور (نیکاراگوئه)!! انعشار شنیدن

این اخبار در آمریکای مرکزی طول پندانی نکشید فردای تحویل این نوشته (مدرک ۱۲۳ صفحه ای) دولت هند وراس دست به یک کارزار تبلیغاتی علیه نیکاراگوئه، تا به دندان مسلح زد! همسایگان ما از بابت ۱۵ هزار تن تسلیحاتی که به گفته آنها نیکاراگوئه در صی شش سال اخیر دریافت کرده است، تاسف خوردند. نیکاراگوئه عادت به دادن اینگونه اطلاعات در مورد مسائل دفاعی خوشتر ندارد. اگر چه دارای این حق و حتی اجبار برای دفاع از استقلال خویش می باشد. اما خیلی جالب است که یاد آور شهم که فقط برای انبام مانور نظامی "کابانیاس ۸۰" در ژوئیه، بسویله بجهه در صفحه ۴

این صدا...

بعده از صفحه ۳

انترناتیو استفاده رژیم جمهوری اسلامی و تغییرات
سوسی و طاهری جامعه را مد نظر نداشته و برای
جدا کردن خود از یازگان استخاله را از سرنگونی
بدای می کنند تا نشان دهند که استخاله یک
چیز است و سرنگونی چیز دیگری است.

افلیت با اعلام طرح این انقلاب می خواهند
بگوید که سرنگونی و استخاله دو چیز نیست، این
چیز است. البته این ادعا که از دستوری یک
ادعای محمل و از نظر حلی نیز یک سرور بر
اپورتیسم و بی عدلی است ممکن است برای
افلیت با انواع و اقسام تحریفات کار ساز باشد.

اما هر کس که به تئوری علمو انقلاب پایبند
باشد می داند که بین سرنگونی مهر آفرینیم
حاکم از قیام مسلحانه مردمی (که سورایدان

معتقد و بدان عمل می کنند) و استفاده رژیم
دره عظیمی وجود دارد در شرایط مشخصی
معه ما با خون، گوشت و پوست دهنها هزار

انقلابی جان بر کف می شود. امنیت ایسر
ادعای مسخره را با چنان آب و تاب و صد و دلیلی
یافتن ها بیان می کند که تنها می تواند

مانده ترین ادهان را در میان پیروان افلیت فعلی
ارضا کند و دیگران چیزی جز پوزخند تحقیر
آنان نخواهند داد. و تازه این ادعای افلیت

نیز تازه گری ندارد. جریان کومله خیلی پشتر این
ادعای اعلام نموده بود. سال گذشته حزب بود
ندیستی کومله در شماره ۱۷ پیاپی ۲۷/۱۲/۶۳

ارگان مرکزی خود که بر آن نام گومنیست نهاد داشت
در مقاله "چپ شدن شورای ملی مقاومت یازد و
بند های جدید؟" اعلام نموده "ولر مگر خود

شورا بخاص چیزی جز "استخاله" رژیم
جمهوری اسلامی پدید آمده است؟ آیا این بدان
علت نیست که مضمون برنامه شورا همان "استخاله

رژیم" است. و اکنون افلیت این تئوری با فی های پوچ را تکرار
می کند و این ادعای کهنه شده را با رنگ و لعاب
جدید تکرار می کند. معنی می شود که مباحثین

و شورا خواهان در هم شکستن رژیم کنونی و ابرارها
سرنگونی آن نیستند. ببال است کسی این حرف
را می زند که تمام رهبران سکتاریست خود را نیز به

همین اتهام مورد حمله قرار می دهند و معلوم

نیست اگر مبارزه مسلحانه انقلابی و مقاومت
مهرمانانه موجب در عدد سرنگونی مهر آفرینیم
در هم شکستن تمام ابزارها و نهادها سرنگونی
آن نیست، چه سر مستور این کار است. اگر
این ادعای دروغین افلیت یک تیرنگ سیاسی نیست،
چه چیز دیگری است؟ پس بهیچ نیست که بیه چیز
عمله اینان نه متوجه استخاله گران واقعی، بلکه
متوجه سورا و مباحثین است. افلیت تمام مبارزه
شکوفند دوران ساز این دو جریان را با جریان
استخاله گران می کند و آب تصویر سراسر استخاله
گران واقعی می ریزد. وقتی افلیت می خواهد سورا
و مباحثین را به جرم مبارزه مسلحانه انقلابی
و به جرم ناتمام کردن استخاله گران، برسد و اوشتی
تعاید معلوم می شود که بیه نیز حمله اثر متوجه
جریان انقلابی است. مضمون گذشته نمی تواند
جمهوری چپ را بیان کند که به نفع چه کسی و چه
برهمنی این اقدام را انجام می دهند.

وقتی مباحثین واد می به استفاده رژیم جریانها
و مباحثین بر سورا و مباحثین باشد، و سر
افلیت هم استفاده و فعد تمام جیمها را
شود را بر سر سرنگونی مهر آفرین می رود
می آورد و وقتی تغییر جریان (سورا و مباحثین)
علیه استفاده گران و سیاستهای خانانها
مبارزه می کنند، معلوم می شود چنانچه از طرف
افلیت بلند می شود و عدالتی که بدنیال آن پشتر
می شود در خدمت نیست؟ دولت زیر روش میاند
که فریاد "رئای" افلیت، فریاد است که مد او سیار
جمهوری اسلامی از آن بسیار خشنود است زیرا
مردود در عمل یک هدف را دنبال می کنند.

اود - افلیت جریان اصلی استخاله گرو فرمیست
را از زیر ضرب خارج کرده و پنبای آن جریان
سورای را که هم علیه رژیم می بشکوهیم بسایند
حرکات مذبحخانه جریان استخاله گران حشسی
کند مورد حمله کین تروانه قرار می دهد. صعبا
جریان استخاله گران این حرکت ناملا سود خواهد
برد و خدمات افلیت آنان را بی نصیب نمی کند. اما
از طرف دیگر باید توجه داشته باشیم که حدود
جریان فرمیست فاقد چشم انداز روشن است، بنسای
بر این حرکات افلیت در مجموع در خدمت آن
جریان قرار می گیرد که خود استخاله گران پندان
خدمت می کنند. وقتی استخاله گران فاقد هرگونه
آینده آن باشند، وقتی حرکات آنان ضربه زدن به
مقاومت و در جهت تشبیت رژیم حاکم باشد، بنسای

بر این رهبری حشسیست افلیت نیز هم در خدمت
اهداف رژیم قرار گرفته است.
ثانیاً - وقتی افلیت ناخدی که حرکاتش تاخیر دارد
نه فرمیست و استخاله گران بلکه انقلاب و سرور
رهبری کنند آنها هدف قرار داد و بدان تبلیغ
می کند، صعبا خوش خدمتی بسیاری به رژیم خمینی
خواهد کرد. می گویند نیروی را که با تمام وجود
به رژیم ضربه می زند و برای سرنگونی آن مبارزه
می کند، با ادعای مزورانه استخاله گرنخشی کند.
عزیزان که این اقدامات موثر باشد، همانقدر
آب به آسیاب ارتجاع حاکم ریخته و همانقدر
بدان خدمت می کند.

ثالثاً - وقتی قرار باشد مردم بپذیرند آن نیروی
انقلابی که با تمام وجود به مبارزه مرگ و زندگی
با رژیم حاکم پرداخته و برای قیام مسلحانه
مردمی و انقلاب از هیپوکریه فداکاری و جان

فدا می دهد در خدمت می کند، معتقد به استفاده است
و می خواهد رژیم را بر میزه کند، آنوقت در میدان
هرگونه حرکتی از جانب افلیت (که بر خلاف
سویاتش هنوز هم موفق به تشبیل نمیتهد معنی
اعتقاد شده، سوز به تشبیر منصفه از قدرت

حیثیت زده (این موارد در برنامه عمل افلیت آمده)
به این نتیجه خواهد رسید که پیرانقلابی نتیجه
است. یعنی افلیت به میزانی که حرکاتش موثر است
به همان میزان مبارزه مردم برای انقلاب را حشسی و
آنان را از انقلاب دلسرد می کند. صعبا از این
خدمت صعب رنارنگی از نیروهای داخلی و بین
الفعلی استفاده می کنند که افلیت چاپچا مدعی
می شود که علیه آنان مبارزه می کند. این تعداد

فی نیست که نیروی با ظاهر چپ و ادعای هر
ضعف سراق عملا در خدمت اهداف ارتجاعی فرسار
گیرد. تاریخ نمونه های فراوانی از این همسوییها
و اتحاد عمل های صاهرا غیر قابل توجیه را داشته
است که در بخت بعدی مقاله به یک نمونه برجسته
آن اشاره خواهیم کرد.

نمونه دیگری که افلیت بصورت مستند فرستند رادیو
تو اثر تکرار می کند، مخالفت با شعار صلح در بینگ
ایران و عراق. شصده سیاست انقلابی و مردمی
شورا پیرامون صلح است. افلیت نقطه حرکت خود را
را در این رابطه اساساً یک دروغ آشکار و بی
خدمت می کنند. وقتی استخاله گران فاقد هرگونه
آینده آن باشند، وقتی حرکات آنان ضربه زدن به
مقاومت و در جهت تشبیت رژیم حاکم باشد، بنسای



... این صدا

اقلیت کر و کور باشد که نداند آنچه اتفاق افتاده است. سیاست صلح تنورا و مباحثین برنگر و صدمه است داده. همان نوع صلح پذیری این رژیم جنگ امروز است. اما اقلیت ابتدا موضع سورا را تحریف می کند و سپس این موضع تحریف شده را نقد میکند. اقلیت معادله رفیق مهاجر در نشریه تنورا را دلیلی بر صحت ادعای خود می داند. نه در آن معادله و نه در هیچیک از اسناد تنورا و مباحثین دلیلی بر اثبات ادعای اقلیت وجود ندارد. در حالی که اقلیت سازگاری شده طی یک معادله اساسی مدعی شد که ادامه جنگ دیگر خواست رژیم نیست. در معادله مذکور تحت عنوان "اهداف رژیم جمهوری اسلامی از جنگ و چشم انداز تحول آینه" در خرداد ۶۲ منتشر شد. متبذله می خوانیم:

"رژیم جمهوری اسلامی همپنین نواسته است تا حد زیاد د بحرانهای داخلی خود را تخفیف دهد. مخالفین سیاسی خود را سرکوب کند. بلوغ و اقدامات مستقل نوده ای را سد کند و تشاد مای خود را تخفیف دهد. در همین معادله مدعی شد که هدف اصلی رژیم به نمود بیک صلح غیر رسمی تحت عنوان حالت "نه جنگ نه سرد" میسرورد سکتاریست و بی تدبیر امنیت از آنها نه بیسرازنون دماغ خود را نمی بیند، ظاهرا بدعت صود نسی شدن حالت نه جنگ نه صلح در سال ۶۲ و فیر از عملیات بدر، این فکر خام به معزتر حضور کرده بود که رژیم "بحرانهای داخلی خود و تضاد های درونی خود را تخفیف" داده است و از بنیبه داخلی به اهدافی که از جنگ داشته رسیده است و بنا بر این ممکن است صلح کند، پس شعار صلح امروزیسون دموکراتیک یک شعار "خرد بورژوازی" توهم آلود است و باید شعار "تبدیل جنگ بسه جنگ داخلی" را سرداد. صرفنظر از اینکه این تحلیل سراپا غلط نشان دهنده خصوصیت متزلزل روشنفکران خرد بورژوازی اقلیت است که قادر به تحلیل واقعی روند های مشخص نمی نیستند بخالف با شعار صلح و خواست عمومی صلح نشان می دهد که اقلیت تا کجاء در براه سیر می کند. زیرا اگر این جنگ سرپوشی برای سرکوب داخلی است و اگر این جنگ مانع گسترش مبارزه طبقاتی است و اگر این جنگ در خدمت اهداف رژیم و امپریالیسم جهانی است و اگر این جنگ برای رژیم آب حیات

است و بجز سران خود رژیم در "راس امور" است بر گونه صلح می تواند بسود رژیم باشد و بگونه شعار صلح می تواند "توهم خرد بورژوازی" باشد تازه به چه دلیل تبلیغ مداوم و گسترده صلح بسه معنی اینست که تنورا صلح را از رژیم درخواست می کند؟ بی پایه بودن این ادعای اقلیت آنست. آندار بودن حتی راهکار نیز این ادعای اقلیت را نه تنورا صلح را از رژیم می خواهد، در فرد. علاوه بر آن اقلیت مدعی است که با طرح شعار "تبدیل جنگ به صلح داخلی" در مقابل سیاست صلح تنورا و "الترنایو" انقلابی "ارائه داده است. اما در واقع در مقابل توجیه ترفه انداخته است. مباحثین و سورا در چند سال گذشته درگیر یک جنگ داخلی گسترده و همه جانبه با رژیم بوده اند. نئین می گوید:

"سرکوب هر انچه به معیار جنگ داخلی در گسترده ترین ابعاد آن، جنگی به زبان عامی مردم است" (نئین - اندک روسیه و همایه پروتاریا)

اگر اقلیت این گفته را قبولی کند باید می داند که از خرداد ۶۰ تا سون در صبر ماید صلح و امعر بر او دارد. در این اقلیت این صلح همه جانبه را هنوز یک داخلی نمی داند و هنوز "جنگ" را "موضع" نه "معه برای" آماده "یا صلح" آماز ندند نه اشتباه سینگاه آن "سرایه" مصوب اقلیت برابر جنگ داخلی "اقلیت فراموشی و سر از ندر واقعیت های عینی جنگ داخلی (جنگ طبقات و مت مردم علیه رژیم خمینی) در با همه ما برهان دارد و اقلیت بیپوده می نوسند این جنگ را انسان کند تا بعله پردازنها و اغلا بی عانیها سطحی خود را اثبات کند. نئین در مورد جنگ داخلی در جواب کسانی مثل اقلیت می گوید:

"به امداف خود نگاه کنید، سر سورا از چه بره نایینه خود بیرون آوید تا بتوانید بد این سواست پاسخ دهید. مگر خود جنوم اشون یا تیر بارانها دسته جمعی افراد مصالحت جو ویرا اسنجه در صبه یا جنگ داخلی را شروع نکرده است؟ مگر باند های صلح بختابه ر " برهان " حکومت متعلقه مدهول عطیاتی نیستند؟ " (نئین - دو نالتیث)

حال اگر چشمان ستاریستهای اقلیت نور است و نمی تواند موانع صلحانه انقلابی و جنگ انقلابی علیه رژیم را ببیند، آیا حرکات و افعال رژیم نشانه آندار و بسود یک جنگ داخلی نه از صفا در محور آن نه اقلیت، بنده مباحثین و سورا را گرفته اند

نیست؟ شاید منظور اقلیت از "جنگ" نه جنگ صلحانه علیه رژیم از باسی حاکم بنده جنگ حرف و ادعای بورژوازی است. نه علیه رژیم، بنده علیه نیروهای اندک است. در این صورت اقلیت واقعا یک جنگ واقعی را برانگیخته است. منتها این جنگ، جنگ دین برانری در صفوف خلق و علیه نیروهای انقلابی و بر محور آن مباحثین خلق است. شاید رهبران اقلیت بدعت مهم پائین خود جنگ داخلی را همان پیام تصور کرده اند. در این صورت باید به آنان که نه جنگ داخلی مترادف پیام نیست، هر چند که قیام عاقبتین مثل جنگ داخلی است. در اینجا برای اینکه خوانندگان معادله با نمونه تاریخی اینگونه ادعاهای صاهرا "چپ" ولی در عمل راست، آشنا شوند، به درایت نمونه تاریخی میپردازیم.

منگامی که اندک ب اشیر پیروز شد، نئین مدافع صلح با آلمان بود. اگر چه صلح نئین در ابتدا صرفا در پنداشی نداشت، ولی چون در جهت سواست عمومی مردم بود پذیرش ارگانهای تصمیم گیری فرار گرفت. اما گروه "کمونیست های چپ" با این سیاست نئین بدت مخالفت میکردند نئین در مورد این گروه نوشت:

"دست در مصالحت آنها نشان می دهد که این حرکت ماهیت صیغاتی نداشته و تنها حرکت زنده های روسنتر و برکریه گانی است که مخالفت با صلح را درون شعارهای انقلابی خرد بورژوازی می بینند. چرا که برآستی این توده های نارگران و دهقانان استعمار شده بودند که صلح را به تصویب رسانیدند."

(نئین - چاروی کودتان مود هنیت خرد بورژوازی)

سپس نئین در مورد نتیجه اینکه از صلح پرسست بپتومسک عاید شد می نویسد:

"به همین علت است که همانانی که با نتایج صلح مخالف بودند، با کوشش تمام در دست امپریالیست ها به بازپزیه ای میدادند و به تله ای کسه بوسیله امپریالیستها برای آنها تمبیه شده بود، می افتند" (همانجا)

"کمونیستهای چپ" نیز مثل اقلیت که سیاست و شعار صلح تنورا را ناشر از "توهم خرد بورژوازی" می داند، معتقد بودند که توده های "دهنیست" صلح "مفعل" بسیار آهسته شده اند و نئین در

مرد آنان با تفسیر می‌گوید: «... این صدا»

به نفعه می‌باشد بعد از سه سال جنگ ارنجاسی زجر دهند مردم قدرت شورائی و تاکتیکی‌های آن که بد و نالغیدن به درون جمله پردازیه‌های صرف مهلتی، ولو بسیار کوتاه، صلح تا مدتها و متزلزل، را نصیب آنها کرده است. پس گزاردند. روشنفکران نوجوان "چپ" با خود شیفتگی پرچمال خود ستائی، متعصبانه اعراض می‌کنند "کسه توده ها (؟؟؟) به مقدار فراوانی به ذهنیت صلح متعصب (؟؟؟) آغشته (؟؟؟) شده اند. "معاذ با" سپس لنون کمونیستها را از غلتیدن به اینگونه جمله پردازیه‌ها بر حذر داشته و می‌نهد:

"آیا یک دعوتیست با حداقل آگاهی از دینیت و شرایط زندگی مردم زحمتکش و استثمار شده می‌تواند بدون عقیده معمولی یا روشنفکران سردم بوزوای بی‌مدعه با بهمان بینی اشراف و سزایا چکی که "ذهنیت صلح" مارا متعصب میداند در حالیکه کشیدن سمیر معاشی خود را "فعال" توجیه می‌نند، بلغزد؟" (معاذ با)

به درس بزرگی، گوشه درد لنون هم با درد شورائی یکی بود. در مقابل سیاست صلح شورائی چریک‌ها بی عمل، هر مدعا، بی برسیب، "سمیر" انقلابی گری و "چپ‌نغاشی" می‌کنند و باید گفت دشمنی افلیت نیز سمیری "مفاتی" است، آسوم معاشی آب دیده. لنون برای اینکه مبعیت و معسر اینگونه "فونیستهای چپ" را روشن کند، می‌نویسد "آیا فونی که من در درگاه حزب کدم که روزنامه و یا نشریه "چپها" نباید "فونیست" بلنننن سزایا چپند تا بعد شود حق داشتیم؟"

منصور از ذکر این نمونه تاریخی خواستیم نشان دهیم که اصلاح افلیت تا کجا پیش می‌رود و چگونه بازچه دست امپریالیست‌ها می‌تندند. اگر افلیت شهادت دارد، حداقل اعتراف کند که در مخالفت با شعار و سیاست صلح شورائی تا جاییه ارتجاع حاکم خدمت می‌کنند؟

به هر حال موضع افلیت در مخالفت با شعار صلح و سیاست صلح شورائی روشن است. موضع شورائی‌های معارفت نیز روشن است. شورائی‌ها هنگامی که رژیم سرنگون نشد، دوباره به جنگ ادامه می‌دهد، با بسیج شعار صلح در پیش بوده ما، با فراخوان سربازان

به فرار از جنبه ها و پیوستن به نیروی مقاومت، با دعوت مردم به رفتن به سرایزی و ۰۰۰ توده ها را برای صلح و آزادی بسیج می‌کنند و به محض رسیدن به قدرت بر اساس صریح صلح شورائی اقدام به آتش بر سر و دانه برای صلح خواهد کرد.

همانگونه که از صریح صلح شورائی متنبه است، و بنابر مذاکره فرار داد سال ۱۹۵۷ الجزایر است. البته در صورتی که هیچگونه پروتکل کویگرانه بی‌به این فرار داد نفعی نباشد. شورائی بر اساس عدم دخالت در امور داخلی دیگران و به رسمیت شناختن حق مردم ایران و عراق، در تعیین سرشت خویش و تبلیغ سیاست دوستی مللها میاندازد. به صلح می‌کنند. اگر ناشیون افلیت از هرگونه موضع گیری رود فرج مد - شورائی - داری کرده تعبیر نمی‌شود. زیرا افلیت می‌داند که نه تنها قادر نیست هیچگونه ایراد را به این عریج بگیرد، بلکه قادر نیست - معاذ با - بر سر ارائه دهد.

همه در مخالفت افلیت با شعار صلح و سیاست صلح شورائی می‌تواند - به جهت عدم وجود بر شایر باشد - و افلیت هیچگونه پسم اندازی بر صلح در مقابل بود. همانگونه که در افلیت فریاد شعار "بندگ بندگ با ضرورتی" و "بندگ دیگران" شنیدیم. بند و فنی افلیت تمام تلاسه‌های سرکشی و خودمندی شورائی را بر سر پا چسب و ضرورتی فخران خرد، بوروائی که دستار کوشش آورد خود را با لژ کردن مدتها پنهان می‌کنند، متد و تر علیه آرمود می‌گیرد. این مدلم است که در خدمت سیاست بندگ امروزانه رژیم حاکم و مناف رژیم در این بندگ فرار گرفته خواه نامشوا در مقابل ارتجاع بندگ امروز حاکم جنبه شایر می‌کنند. مسلما شعار صلح و صلح وار بعد تر از همین اینته باشد و بود حکومت بوروائی در هر دو کشور، صلح نمی‌تواند پایدار بماند و بندگ شعار مدنی است. تکرار شعار است که بیشتر به "ریزسوانز" بدون محتوا تپیه است تا به بندگ بدی.

و فنی لنون می‌گوید: "باید علیه جمله پردازیه افلیت بر مبارزه کرد این مبارزه واجب است، حتما باید مبارزه کرد - روزی این جمعیت صلح در باره ما صدوا و پیوسته نکند که، علیه پردازیه اعراض در باره بندگ اندر می، انقلاب را تپیه ساختن"

منظور او مبارزه با کسانی امثال افلیت است که با خود پرستی حصران حاضرند یک انقلاب، پسند مفاومت و پیچ مبارزه دوران ساز را تپیه کنند، اما امیال خصیرانه خود را جامه عمل بپوشانند. ما چون می‌دانیم که مخالفت افلیت با سیاست صلح شورائی هیچ انگیزه بی جز، خود پرستی و خود ستائی چند روشنفکر تنگ نظر ندارد و فاعده هرگونه انگیزه مستولانه است. و چون می‌دانیم که سیاست افلیت برای انقلاب و مقاومت انقلابی مخرب است و چون می‌دانیم که این سیاست در خدمت اهداف رژیم بندگ امروز است همچنین افلیت هر قدر هم چار و پنجال کند، نمی‌تواند سیاستهای آثارشستس اپورتونیستی و چیدغاشی خود را در پیشگاه نارگران و زحمتکشان توجیه کند، بر اساس رهنمود لنون خود را موضع می‌دانیم که با "جمله پردازیه" بیهادانه بر نغاشی "آن که خود بدان" بانسک رسای نارگران می‌گوید مبارزه نیم - زیرا این مبارزه "واجب" است. زیرا شورائی خواهد این جمعیت صلح شامل حال او شده با سکوت در مقابل اینگونه خود ستائی‌ها، اینگونه جمله پردازیه‌هایی که مامیت آن اساسا راست و نتیجه آن خدمت به رژیم حاکم است، انقلاب را تپیه سازد. شورائی

و ما باید مدین خلق در محور آن برای دفاع از انقلاب مردم ایران، برای سرانجام رسانیدن پیام مسلحانه مردمی، برای سرنگونی رژیم حقیقت، مسلما استوار و سرسبز پیش خواهند رفت. افلیت مدعی است فکر کند که سیاستهایش می‌توانند مصلی باشد برای ابراز وجود و پدیدت برهان افراضی که همیشه می‌خواهد تغشرا بورزیسیون افراضی را بسازی کند.

اما از بدی یا خود حادثه سیاستهای افلیت که در خدمت اپوزیسیون بلننن در خدمت بورزیسیون مویبند فرار می‌گیرد. متعاضونی افلیت نخواهد در اپوزیسیون سرومائی قرار گیرد که با تمام وجود علیه نظام حاکم میا بپرد. اند، آنچه واقعا وصل در مقابل انقلاب مردم ایران قرار گرفته است، ما پس افلیت تومیه می‌کنیم که این جمله لنون را در نظر بگیرد. "باید شهادت داشت و بی پروایه چپسره حقیقت صلح نگریست و بدان اعتراف کرد"

(لنون - بحران حزب رانویه ۱۹۲۱)
بعیه در صفحه ۹

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

جنگ ...

بعیه از صفحه ۱
عامل دیگری برای افزایش نارضایتی مردم که میزوم
این آتش هستند، سده اسب - برای رهائی از این
بن بست راه خلاصی وجود ندارد . اگر به جنگ
پایان بخشند و به علمی نه حقوق خدقهای ایران
و عراق را تامین کنند ، تن درد هند و بید بید دگسه
این همه کشتار و ویرانی پسرای هیچ بوده است ،
پایان عمر رژیم ننگینمان را امضا کرده اند . و اگر
به جنگ پایان ندهند و وضع موجود را حفظ کنند ،
نارضایتی های ناشی از همین وضع دامن آنها را
خواهد گرفت و بیشتر انقلابی خدقهای ایران
از دیدن ای دیگر بر آنها خواهد تاخت .
در رابطه با این موضوع است که حاکمیت معور
سیاست " شل کن ، سف کن " را در پیش گرفته
است و بازی سوم دیگری را با سرنوشته خدقهای
ایران و عراق آغاز کرده است .

تاکتیک " عملیات محدود " و گذاشتن سنگ به خلیج
فارس ، محصول همین بن بست و همین سیاست
است . اینان می خواهند آند در به همین وضع
ادامه دهند تا راه زبانی برایشان پیدا شود .
طبقاً بهای سنگین این سیاست بر دوش خدقهای
ایران است . آنها هستند که بزور خود دید جان
و مال خود به گوشت دم توب ارتبا عظام تبدیل
شده اند و بهای ادامه حاکمیت ارتجاع و رونسق
بازار فروتر اسلحه امپریالیستها را با بان خود
می پردازند . آری شعار " بنگ ، بنگ ، تا پیروز " و
" بنگ ، بنگ ، تا روح فتنه " که از طرف رژیم
داده می شود ، یعنی " بنگ ، بنگ ، تا نابودی
خدقهای ایران و عراق " و " بنگ ، بنگ ، تا پسر صرف
سند خصمی که از سوی خدقهای ایران ، این رژیم
پوسیده را تهدید می کند .

سر بازار و پرستل آزادینخواه ارتجاع ، جوانان و نوج
بوانانی که به هر دلیلی به این بنگ ، تا نابودناراسه
سپیده شده اند ! متحدان ما بیل مردم و ممالک
کشور حکم می کند ، که به این بنگ ، تا نابودناراسه
چه زودتر پایان داده شود و این امر نیز با وجود
این رژیم جنگ افروز ، رژیمی که موجودیتر در کشور
ادامه بنگ است ، ممکن نیست . برای رسیدن به
حلالی دموکراتیک و جان دهنه راهی جز سرنوشته
این بنگ افروزان وجود ندارد . معور خود را در
ندارد . قیام صلحانه سوز از مسدول و مستحکم
شید و با همه هوا - برابری سیاست های سیاه رژیم
ارتجاع حاکم مقاومت نمایند .

انتخاب ...

بعیه از صفحه ۱
خبرگان تعیین بنامشین بعد از مرگ این پلاد
بود ، نه در خیال - وی .
رژیم لرزان خمینی در مقابل رشد مبارزات
توده ها ، نه تنها اقدامات و بحرانس که
گریبانگیرش است ، نتوانسته فائق آند ، بلکه
روز به روز به سقوطش نزدیکتر می شود .
خمینی بنایتکار و هم پالگهایش رفتی مرگ و نیستی
شود را نزدیک می بینند ، برای مدتی بیشتر سموت
زدن ، تلاش می نمایند ، و اینبار برای بهسازی
رژیمشان ، دیتاتور دیگری را کاندید می کنند .
در مجلس خبرگان اختلاف فاحش زیاد بر سر نجیبی
فقیه آینده وجود داشت . صورتی که گردن منتظری
مورد مخالفت بسیاری از آروند ها قرار گرفت .

از نظر سرداران و یه فقیه آینده خمینی در زمان
حیاتش منته بانیمین را مستحربند ، بسیار
مهم است . زیرا می داند بعد از مرگ وی چه
پلوازی بر سر فقیه بود ، که در بین آشوب سازان
می گیرد . و معده خود خمینی مادر است ، بلکه
منتظر را به جوان فقیه آیت الله بهار متابعان
درونی امر با بیانند از .
همچنین با این انتخاب می خواهند به اصلاح
بداوم حکومت لرزانان را بدانند .
به همین منظور منتظری که از ۱۸ - انگو - ساگرد
سختی و مزدور سده پشتیتر می باشد ، مدتها
نه در مدرسه کثیف خمینی تعلیم دیدن با سوری
گرن براد آیند . می آموزد ، از انجا که خمینی
در میان مردم بسیار معور شده است ، منتظر
سعی در نشان دادن پهره اردیشرانند .
وز با پهره ای نرم و همیم حریف رهبر سون
را می کند . اما این بنایتان آند خودشان
را روزند ، اندک دیگر حسیان براد خود ما
رنگی ندارد . از نظر مردم چه خمینی و به
منتظر و به هر نظر دیگر از این رژیم پلاد
باید سرنگون بشوند .

این صدها ...
راهی که اقلیت می پیچاید ، راهی است " حریف
خاک پپ " روسیه می شودند . اقلیت باید بداند
که تمام بار و سبانهای رادینوشتر او را از گردن
نبرد آن گرفته اند ، نباید نتوانند ، اد - بلکه
بیشتر در آبرو خواهد برد ، سالها سبانه و سبانه
مسلحانه اعدایی از جانب اقلیت ، موافقت یا بیخود و
رفریم است . آیا اقلیت پلاد معور ننگ آراسه دارد ؟

بعیه از صفحه ۸
سازمان ملل متحد برای نخستین بار قطعنامه ای
مبنی بر نقض حقوق بشر در ایران صادر کرد .
در این قطعنامه هیستونهای به معنای صومر دختر ناصم
روزی از طرف شوروی پند نغرا از میاهدین ششجه
سده سرت فعال دانستند . ربانی خراسانسی
نمایند و مزدور رژیم در این به معنای تاتلار فرا و ان
سحر در وارینه بنوه دادن اسفاگرهای هوا -
داران سبده سده - میاهدین خلق دانست .
و بر با نامی ترند خاواسیادهانی که بشرح داد
به معنای صومر سازمان ملل با استناد به شواهد زنده
و گزارشات موتی و با التشریح آراء و من حقوق بشر در
ایران را توسط رژیم ضد مردم خمینی محتوم و برکی
دیگر در افتای نارنامه سراسر خیانت و بیایست
این رژیم مسور افزود ، این قطعنامه که توسط
پازده شوروارانه داده بود با ۵۲ رای موافق به
تصویب رسید .

یاد ساعدی ...

بعیه از صفحه ۱۰
خارج از شور داد ، تریه ساعدی دور از وطنش
زندگی می کرد ، اما همیشه بیاد مردم وطنش و
در آرزوی سرنگونی رژیم منحدر " ولا یت فقیه " بود .
و تمام انرژی و توان خود را در همیاری و کمک به
مقاومت عادلانه و مردمی گذاشته بود . آخر سن
کار هنری وی که بصورت تاتر " انللو در تبعید " عرضه
نمود مورد استقبال نهادی از هموطنان ایرانی
در آرگنتین - ساعدی که زندگیش را با زحمتکشان
عجمین کرده بود ، با مرگ خود از دوه فراوانی در میان
مردم و نیروهای انقلابی بر جای گذاشت . ما
بار دیگر در گذشت این نویسنده مردمی را به
شدق مهربان ایران و به خانواده و نزدیکان وی
تسلیم می گوئیم . یادش گرامی یاد

برخی از

- بعیه از صفحه ۱۰
- ۲۸ نوامبر ۱۸۲۰ - تولد مرد ریگ انگلر
- ۲۸ نوامبر ۱۹۸۱ - خود سوزی زن فدائار ایتالیایی
- " آماد الفروبو " در اعتراض به اعدام نودگان و نسو -
جوانان در ایران توسط رژیم خمینی
- ۲۹ نوامبر - روز جهانی همبستگی با مبارزات خلق
فلسطین
- ۱۹ نوامبر ۱۶۴۲ - سالروز آزادی آلبانی
- ۲۰ نوامبر ۱۹۶۷ - روز استقلال جمهوری دومنرا -
تیک خلق یمن
- ۱۲ دسامبر ۱۹۱۰ - روز استقلال مدی کینه
- ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ - تولد ژوزف استالین

حکومت ...

بعیه از صفحه ۱
سازمان ملل متحد برای نخستین بار قطعنامه ای
مبنی بر نقض حقوق بشر در ایران صادر کرد .
در این قطعنامه هیستونهای به معنای صومر دختر ناصم
روزی از طرف شوروی پند نغرا از میاهدین ششجه
سده سرت فعال دانستند . ربانی خراسانسی
نمایند و مزدور رژیم در این به معنای تاتلار فرا و ان
سحر در وارینه بنوه دادن اسفاگرهای هوا -
داران سبده سده - میاهدین خلق دانست .
و بر با نامی ترند خاواسیادهانی که بشرح داد
به معنای صومر سازمان ملل با استناد به شواهد زنده
و گزارشات موتی و با التشریح آراء و من حقوق بشر در
ایران را توسط رژیم ضد مردم خمینی محتوم و برکی
دیگر در افتای نارنامه سراسر خیانت و بیایست
این رژیم مسور افزود ، این قطعنامه که توسط
پازده شوروارانه داده بود با ۵۲ رای موافق به
تصویب رسید .

شهدای فدائی
در
آذر ماه

برای فتح قله‌های
پروصلابت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برابری؛
یامرگ یلبیزی

- ۱۳۵۱ - رفیق اسدالله بشر دوست
- ۱۳۵۵ - رفقا: پرویز نصیر مسلم - زهرا آقانیسی
- ملکی - علیرضا شهاب رموی
- ۱۳۵۷ - رفیق ابوالقاسم نیکچه همدانیان
- ۱۳۵۸ - رفیق بهروز بهروز (افسران قلا پس ارتش)
- ۱۳۵۹ - رفقا: مصفا یون بهزاد - احمد قدس‌ورد
- میروان - مختار قلعه‌سور در جنگ با نیروی مزدور زرگاری
- ۳۶۰ - رفقا: مرین حسینی - رحمت طالب‌سرا
- علیرضا بهار پور فرخنده - علی عبدالعلی راده
- محمد رضا شهناز - علا مرزا کارودیان چاپچی
- سعید رضا سعادت - فرهود روانی - محسن -
- ندیس - رفیق پرستنده سازمان محسن مدیترانه‌چی

گرامی‌باد

یاد انقلابی بزرگ
رفیق شکراله پاک‌نژاد

با کمک‌های مالی خود سازمان را در
انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهن مبارز

سازمان برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی
ورعاشی بخش مردم ایران علیه رژیم خمینی به
لک‌های مالی شما نیازمند است -
لک‌های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا
ستفیم بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه نشه و آهز نموده
و قش رسید آنرا به آدرس نشه ارسال دارید -

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365 کد گیشه
MME. TALAT R. T.
2617 G شماره حساب
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی

- آذر ۱۳۲۳ - تشکیل فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان
- ۱۶ آذر ۱۳۶۶ - شهادت میرزا تقی خان بنگلی توسعه ایادی رضا شاه خائن
- ۱۶ آذر ۱۳۶۶ - روز دانشجو و شهادت دانشجو - یان مبارز - شریعت - رموی - صدقی - بزرگ نیا
- ۲۰ آذر ۱۳۵۷ - حمله اندامی دو نفر از پرسنل ارتش به سران مزدور ارتش در پادگان لهران - در این عملیات گروه‌های دوم اسماعیل سلامی - بخش و سریار همیده نامرالدین امیدزاده - به شهادت رسیدند -
- ۲۰ آذر ۱۳۵۷ - امام‌زاده و امام‌زاده بزرگ مردم شهران در روز عاشورا علیه دیشاموزریم معور شاه
- ۲۱ آذر ۱۳۲۵ - سرکوب عدو آذربایجان و کشتل بیش از ۱۰۰۰ تن از آذربایجانیان
- ۲۱ آذر ۱۳۵۷ - کشتل مردم - عدو آیدان اصفهان بدست مزدوران شاه خائن
- ۲۴ آذر ۲۸ - کشتل محبت علی
- ۲۸ آذر ۱۳۶۰ - شهادت رفیق مبارز شهیدان پاک‌نژاد
- ۲۹ آذر - تولد سعید - عروسی
- ۲۹ آذر ۱۳۲۳ - حمله پامو بخار خیز و صن - شنه نارگران شاه و مبروج کردن تعداد زیادی از نارگران
- بعده در معده ۱

گرامی‌باد یاد غلامحسین ساعدی

دکتر غلامحسین ساعدی شهید شده و نماینده ششمین
نوبت توانای میهنان بر اثر بیساری و خوشبختی
داخلی در بیمارستان سن اشوان پاریس درود
حیات کجاست با مرگ ساعدی ادبیات انقلابی ایران
به کس از ارزنده ترین اسامیان خود رانه در نشای
ادبیات انقلابی ایران نقش بسیاری داشته، از
دست داد غلامحسین ساعدی با نام مستعار
"گوهر مراد" آذربایندی‌های از قبیل عزاداران
بیل، "توپ"، "آی یا فلا، آی یا فلا" - یوب -
دستهای ورزید و چشم در برابر چشم -
ندایشنامه ۱۰۰۰ تعدیم یامعه ادبیات کرده بود -
وز در رشد و آگاهی نسل انقلابی - در ساههای
اشفاق آریامهری تاثیر بسزانی داشت و با ارائه
آثار انقلابی و فعالیت‌های مشرقی خود علیه رژیم
شاه، دستگیر و به پستان زندان محبوم شد -
ساعدی که تهنه آزادی رهنائی و مواهسان
بامعه ای با ارزندهای فرهنگ با بود، در راه
بشر رساندن اهداء نراز مدید خوشی در گذار
دمی کرد ۱۰ و در اولین روزهای ترمیم انقلاب
و آزادی، به امید تحقق استقلال و دموکراسی
ورهنائی حلقه‌هایمان، فدائیهای سیاسی و خوشبختی
خود را با نددت بیشتر ادامه داد و بعد از اشفاق
آشوندی به نامبارتن به سرایسرتیبار جمعید در
قارخ از کشور داده -
بعده در معده ۱

اسپانیا

APARTADO DE
CORREOS
50.610
MADRID SPAIN

فرانسه

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

برای دریافت نبرد خلق

و سایر انتشارات سازمان با
آدرس‌های زیر مکاتبه کنید

سوئد

NABARD KHALGH
BOX 8847
40271 GÖTEBORG
SWEDEN

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم